

## اتوپی پلید دوران گذار اپوزیسیون بورژوازی ایران

مظفر محمدی

تمام جناح های اپوزیسیون بورژوازی و قومی ایران سناریوی احمقانه ی دوران گذار از طریق رژیم چینج درایران را در مخیله ی بیمارگونه ی خود می پروارند. این تخیلات رذیلانه بر چند فرضیه ی نا ممکن سوار است:

یکم، این است که با تهدیدات اسرائیل و امریکا و تحریم های اقتصادی، جمهوری اسلامی دچار فروپاشی می شود و آن ها در یک هرج و مرج محتمل، کرسی های قدرت را تصرف و دوران گذار تخیلی شان را رهبری می کنند.

دوم، این است که جمهوری اسلامی دچار استحاله از درون و واگذاری قدرت از جناحی به جناح دیگر می شود. قرار است مرگ خامنه ای و جابجایی قدرت از بالا این مسیر را هموار کند. قرار است جناح اصلاح طلب و اعتدالگرا و دمکراسی خواهان و لیبرال های منتقد بیت رهبری، با شعار حقوق بشر و دمکراسی و انتخابات آزاد، رضا پهلوی و رجوی و مهتدی و امثالهم را برای شرکت در قدرت و حاکمیت دعوت کنند.

سوم، کودتای نظامیان خواه ارتش یا سپاه کلاه نظامی را جانشین عمامه ی آخوندها کنند. مستشاران امریکایی و اسرائیلی به ایران سرازیر شوند و بر سر رضا پهلوی بعنوان «علیحضرت بزرگ ارتشتاران» جانشین پدر مخلوع، تاج سلطنت بگذارند. در سناریوهای پلید اپوزیسیون بورژوازی، دوران گذار یعنی فرستادن مردم انقلابی به خانه، شکست انقلاب، سرکوب مردم، حفظ نهادهای نظامی و اداری رژیم و تداوم نظام تبهکار سرمایه داری. ... صفحه ۲

## از طناب داری که پاره شد! تا آزادی همه زندانیان سیاسی!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

## الم سنگه یارانه ای در مجلس

مصطفی اسدپور

احمد میدری، وزارت کار و الم سنگه تازه از یارانه در صدر اخبار رسانه ها جا گرفت. بنا به گزارشات منتشره از قول وزیر کار، در یک چرخش سه دهک و ۷ میلیون نفر از گردونه دریافت یارانه به بیرون پرتاب شدند. (عصر ایران، ششم آبان ماه ۱۴۰۴) فتح الفتوح عدالت و هیاهوی نجات بیت المال و عملیات قلع و قمع چنین تعداد کثیری از یارانه بگیران فاقد صلاحیت در حالیکه مطابق آمار مرکز بسیار معتبر پژوهش مجلس تا اطلاع ثانوی کماکان دو سوم جمعیت ساکن «ای - ایران» زیر خط فقر بسر میبرند؛

همین را کم داشت که کاشف به عمل در آید این هموطنان یارانه-بگیر سالهای متمادی به قاچاقی با تملک ملک مرغوب در سه دهک بالایی جامعه گستاخانه سر نظام را شیره مالیده اند. گند اصلی قضیه زیادی منتظر نماند و نوک این کوه قاف یارانه ای زمانی از زیر آب هویدا شد که برگ آس جناب وزیر کار و اسناد تحقیقی مبنی بر سند مالکیت لامبورجینی صحن مجلس را هاج و واج کرد...

باز هم مجلس کور خوانده بود، یک بار دیگر میدری دهاتی مسلک در وزارت کار را دست کم گرفتند، و حالا حالا ها باید با اعداد آب زیر کاه وزیر کارشان ور برونند تا شاید سر و ته تراز در رفته بودجه هم بیاید. خنده دارتر از همه اینجاست: ... صفحه ۴

## مخمسه پالایش امنیت سرمایه خصوصی در ایران

مصطفی اسدپور

« امنیت سرمایه گذاری به معنای تضمین حفظ حقوق مالکیت، ثبات قوانین، کاهش ریسک های سیاسی و اقتصادی و شفافیت در فرایندهای اداری است. این مفهوم نه فقط پایه جذب منابع مالی داخلی و خارجی است، بلکه شرط لازم برای خروج اقتصاد ایران از چرخه رکود و دستیابی به رشد پایدار محسوب می شود.»

سطور فوق به نقل از داد و بیداد فرصت طلبانه یک سوپر شارلاتان در بهره کشی از کارگر ایرانی در معادن متروک در حال کشیدن گوش دادستان کل استان در خفه کردن صدای مزاحم یک معدنچی زخم دیده نیست. سطور فوق به نقل از یک اپوزیسیون دست راستی گستاخ پرو غرب علیه حکومت اسلامی در لزوم چرخش به سوی سرمایه داری جهانی هم نیست.

این از بیانات سید علی خامنه در تریک سال نو است. سطور فوق بخشی از شکوه های ایشان در نزول غیر قابل قبول مُره دولت متبوع در زمینه «بهبود شاخص امنیت سرمایه گذاری در ایران» است. ایشان تشر میزند، تهدید میکند، خط و نشان میکشد و راه نشان میدهد و آن راه چیزی جز جلب رضایت سرمایه، تضمین سودآوری سرمایه خصوصی، چه خارجی و داخلی، در انطباق با استانداردهای عالی جهانی و مشخصا در منتهی علیه استاندارد بورژوازی - غربی میباشد.

جنگ دوازده روزه، تجاوز نظامی و تشدید تحریم ها زمین لرزه ای بود که کماکان محورهای تعیین کننده از جامعه را به تغییرات اساسی میکشاند. اگر بتوان یک استثنا را سراغ گرفت همان سیاست جلب اعتماد سرمایه های خصوصی به ایران است که با همان شدت و با همان تضمین ها تداوم یافته است.

اینکه دعوت سرمایه خصوصی با همه سابقه چهل ساله از اصل ۴۴ قانون اساسی و با همه تشابه با همین سیاست در اکثریت بزرگ کشورهای جهان، بحث بر سر تغییر پایه ای در قانون کار به نفع سرمایه و به ضرر حقوق کارگری است؛ کمتر جای تردید وجود دارد. در این زمینه سه فاکتور اصلی قابل توجه است.

اول؛ کیست که نداند همه چیز در این حکومت در بازار حراج خصوصی سازی قرار دارد؟ ... صفحه ۲

# آزادی برابری حکومت کارگری

یعنی ادامه ی استعمار طبقه کارگر، تداوم فقر و فلاکت و سرکوب و خفه کردن جامعه... اما این خواب و رویایی تبهکارانه و ممنوعه است!

اپوزیسیون راست ارتجاعی زمانی که از سناریوهای تخیلی خود و از سرپرستی اربابان خود ناامید و مستاصل می شوند، از مردم میخواهند به خیابان بیایند و رژیم را بپندازند تا آن ها بیایند و دوره پس از سرنگونی را رهبری کنند و حقوق بشر و دموکراسی نوع اربابان خود امثال ترامپ و نتیناهو را هدیه بیاورند! نفس این ادعای شرم آور توهمین به ۹۰ میلیون انسان جامعه ایران است. این ماموران و حلقه بگوشان حکام پلید صهیونیست و ترامپیست فکر می کنند مردم ایران گوسفندند و به چوپان نیاز دارند. مردم را سر باز خود فرض می کنند که بچنگند و کشته شوند و آن ها مداخل رهبری و فرماندهی بر سینه بزنند. اما کور خوانده اند.

بدون شک و با قطعیت میگویم که جمهوری اسلامی نه با تهدیدات نظامی نتیناهو و ترامپ، نه با استحاله از درون و نه کودتای سپاه سرنگون می شود. جمهوری اسلامی نه نگران تهدیدات اسرائیل و امریکا و فروپاشی از درون و نه استحاله و یا کودتای نظامیان است. جمهوری اسلامی نزدیک نیم قرن است در شرایط جنگ ها و تحریم و تهدید بار خود را بسته است. اقتصاد و امنیت و سلامت جامعه را گرو گرفته است. قدرت سرکوب را سازمان داده است.

جمهوری اسلامی اما مدت ها است که توان اداره ی معیشت و سلامت و امنیت جامعه را ندارد. این نظام تبهکار تنها در تلاش برای بقای خود است. بقیای به قیمت تحمیل فلاکت مرگبار به جامعه ی ما. تنها کابوس جمهوری اسلامی انقلاب و قیام از پایین طبقه کارگر و توده های محروم و ستمدیده ی زن و مرد و جوان است. جمهوری اسلامی زخم های عمیق اعتراضات کارگری، خیزش های دانشجویی، خیزش سال های ۹۶ و ۹۸ و جنبش آزادی زن در ۱۴۰۱ را بر بدن دارد. کابوس کمونیسم طبقه کارگر و اعتصاب عمومی کارگری و قیام توده ای خواب از چشم قدرتمندان بیت و سپاه و خیل دلواپسان اصلاحات و اعتدالگرایان و لیبرال های منتقد اما مومن به جمهوری اسلامی، ربوده است. جمهوری اسلامی تنها و تنها با انقلاب توده ای و از پایین و میلیونی کارگران و زحمتکشان و زنان و جوانان سرنگون می شود.

سناریوهای تبهکارانه ی اپوزیسیون راست ارتجاعی برای ممانعت از انقلاب و ضد انقلاب مردم سرهم بندی شده اند. این سناریوهای ضد انقلابی، ضد کارگری و ضد مردمی برای تغییراتی رو بنیایی در بالا، دست به دست شدن قدرت و حفظ نظام بردگی مزده و تداوم فقر و فلاکت و تبعیض و ستم است. بعلاوه نتیجه ی تلاش مذبحخانه ی این اپوزیسیون اگر با فرض محال دست بالا پیدا کنند، فروپاشی جامعه و مخاطرات جدی بر سر راه رهایی مردم از ستم و سرکوب و تبعیض است. جمهوری اسلامی و اپوزیسیون بورژوازی دو روی سکه ی ضد انقلاب توده ای و از پایین مردم ایران اند. هر دو در ضدیت و کابوس و ترس از انقلاب شریکند!

شکی نیست و دوست و دشمن اذعان دارند که ایران سوریه و لیبی و عراق نیست. جامعه ۹۰ میلیونی ایران، طبقه کارگر چند ده میلیونی شاغل با دستمزد خور و غیر و بیکار و بازنشسته دارد. نصف جمعیت ایران زنان اسیر تبعیض جنسیتی و مردسالاری محض هستند. بخش عظیمی از جامعه ایران را جوانانی تشکیل میدهند که در دانشگاه ها تحصیل کرده و جامعه ی آزاد و شاد و مرفه میخوانند. هفتاد در صد مردم زیر خط فقر، بدون مسکن و اجاره نشین و کپر نشین، محروم از بهداشت و درمان و اسیر بیماری های مرگبار، اسیر زندان و اعدام و سرکوب و تحقیر... زندگی شاد و آزاد و مرفه میخوانند. وقتی از ساریانی نوجوان می پرسند شما چه میخوانید، سه انگشتان دستش را میشمارد و میگوید: «رفاه، رفاه، رفاه». این خصلت نمای نسلی از طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه ای است که به کم راضی نیست.

طبقه کارگر چند ده میلیونی تجربه چند دهه بیحقوقی محض، گرسنگی، دستمزد ناچیز، قراردادهای موقت و حتی کار بدون قرارداد در پیمانکاری ها را دارد. شلاق خورده، اخراج شده، زندان رفته و رهبرانش روی سکوی مجامع عمومی شعار «کارگران شورا میخوانند» را سر داده اند.

ما کمونیست ها و محافل کارگران سوسیالیست طبقه کارگر چند دهه است بذر آگاهی طبقاتی و سوسیالیسم را کاشته ایم. نقشه ی خشت روی خشت ساختمان حاکمیت شوراهای کارگران و مردم را روی میز طبقه کارگر و جامعه گذاشته ایم. این تجارب در روز و ماه های دوران انقلابی پیشارو، ثمر میدهند. طبقه کارگر و آزادیخواهان و برابری طلبان زن و مرد و جوان با این تجارب، در روزهای قیام هر روز به اندازه چند سال می آموزند و متعالی می شوند.

جمهوری اسلامی تنها و تنها با انقلاب و قیام توده ای از پایین سرنگون می شود. خواست آزادی و رفاه و امنیت و حرمت انسانی جامعه را به انقلاب فرامیخواند. انقلابی برای ریشه کن کردن کل نظام سرمایه و دین با همه ی دستگاه های قدرت اقتصادی و سیاسی و قضایی و نظامی و زندان ها و اعدام و سرکوب. هدف جامعه ما سرنگونی جمهوری اسلامی با اعتراضات سراسری کارگری و توده ای،

انقلاب از پایین و میلیونی مردم و قیام است. برای این امر سرنوشت ساز باید آماده شد. باید متحد شد و سازمان یافت. وظیفه این آمادگی بر عهده ی ما، کارگران کمونیست، رهبران مورد اعتماد جنبش های اجتماعی از جمله جنبش آزادی زن برای برابری کامل زن و مرد و جنبش دانشجویان و جوانان آزادیخواه و برابری طلب است. با سرنگونی جمهوری اسلامی ما خلا قدرت نخواهیم داشت. نهادهای انقلابی و شوراهای کارگری و مردمی محلات و شهرها در رعد و برق روزهای قیام مثل قارچ می رویند و دولت انقلابی خود را برپا میکنند. شوراهایی که خود قانون می نویسند و خود اجرا می کنند.

طبقه کارگری که سکان اقتصاد و تولید را در دست دارد با شوراهایش بهتر از هر پروفیسور و اقتصاددان بورژوازی بلد است امر تولید را سازمان دهد. تولید نه برای سود سرمایه داران، برای منفعت و رفاه جامعه. شوراهای پزشکان شرافتمند و پرستاران جوان بهتر از هر وزیر و بوروکرات حوزه بهداشت بورژوازی، سازمان بهداشت عمومی و سلامت جامعه را اداره میکنند. شورای رانندگان بخش حمل و نقل شهری و بین شهری، بهتر از هر وزیر و مدیرعامل و بوروکرات های نظام بورژوازی می توانند این بخش را هدایت و رهبری کنند. شوراهای آموزگاران و دانشجویان جوان فارغ التحصیل دانشگاه ها بهتر از هر مدیر و دم و دستگاه فاسد دستگاه آموزش و پرورش بورژوازی می توانند امر آموزش و تحصیل از دبستان تا دانشگاه ها را به پیش ببرند...

دوران اولیه ی انقلابی برای جامعه ما دوران گذار انقلابی است. گذار از همه ی دستگاه های سیاسی و نظامی و اداری و پلیسی جمهوری اسلامی به حاکمیت تمام و کمال شوراهای کارگران و مردم. این دوران گذار نه با ادعای فریبکارانه ی حقوق بشر و دموکراسی بورژوازی، تظاهر دروغین به لغو حجاب بجای برابری کامل زن و مرد و شعار ریاکارانه ی لغو اعدام ... است. اپوزیسیون راست ارتجاعی، توطئه های خود را پشت شعارهای فریبنده مخفی می کند. اما برای انقلابیون کارگر و زحمتکش و زن و جوان، دوران گذار انقلابی برای برقراری دموکراسی شورایی، برای جaro کردن از بیخ و بن نظام فاسد و تبهکار سرمایه با همه ی قوانین ضد بشری مثل اعدام، زندان، تبعیض و ستم و نابرابری است. برای آزادی و برابری است. برای تمام آزادی، تمام برابری و همه ی قدرت به شوراهای کارگران و مردم است.

مردم انقلابی، انقلابیشان را به دوران گذار تخیلی مفسدین اپوزیسیون بورژوازی مدعی رهبری نمی سپارند. این خیال خام احمق های پلشتی مثل سلطنت طلبان و ناسیونالیست های قومی است.

اما دوران گذار انقلابی تا استقرار حاکمیت از پایین و سازماندهی اقتصاد و اداره ی جامعه از طریق کنگره سراسری شوراهای کارگران و مردم، برای انقلاب در پیش جامعه ایران دوران آسان و سراسری نخواهد بود. ما در این دوران با توطئه ها و خرابکاریهای ضد انقلابیون بقایای جمهوری اسلامی بهمره اپوزیسیون بورژوازی، قوم پرستان و حامیان خارجی شان روبرو خواهیم شد. در این دوره گذار انقلابی، شوراهای مسلح و تسلیح عمومی جایگزین ارتش حرفه ای و پلیس و دیگر ابزارهای سرکوب بورژوازی خواهد شد. توده های انقلابی کارگر و زحمتکش و زن و جوان می توانند از انقلاب و پیرویشان دفاع کنند. زمانی که این دوره را با ریشه کن کردن نظام جمهوری اسلامی و خنثی کردن توطئه های ضد انقلابیون از سر گذارندیم، توده های میلیونی سازمانیافته در شوراهای کارگری و مردمی اقتصاد و معیشت و اداره جامعه را سازمان می دهند و قوانین مصوب خود را به اجرا در می آورند.

در حاکمیت شوراها، احزاب چپ و راست و جریاناتی که خود را دمکرات مینامند و سنگ حقوق بشر را به سینه میزنند و نمایش ها «کنفرانس» های پشت سر هم برگزار می کنند، اگر کمر به ضدیت با انقلاب نبندند نمیتوانند از آزادی بی قید و شرط سیاسی بهره ببرند. میتوانند در شوراهای بعنوان اعضای شورا به فعالیت سیاسی بپردازند. میتوانند عقاید خود را در شوراها به محک بگذارند. اما نمی توانند توطئه کنند. نمی توانند به اقدام مسلحانه و ترور دست بزنند. نمی توانند بر فراز سر شوراهای نهادهای قدرت موازی تشکیل دهند. همگی باید به قوانین مصوب شوراهای تمکین کنند. شوراهای قانونی به نام اعدام ندارند. اما توطئه گران را سرچایشان می نشانند. این دوران برای انقلابیون ایران، برای کارگران سوسیالیست و همه ی آزادیخواهان و برابری طلبان به معنای تداوم انقلاب تا برقراری جامعه ی آزاد و برابر و سوسیالیستی است.

زنده باد انقلاب

زنده باد حاکمیت شوراهای کارگران و مردم

زنده باد سوسیالیسم

(در ادامه ی این بحث با تفصیل بیشتر به دوره انقلابی، دولت موقت انقلابی و حاکمیت شورایی میپردازم.)

دعوت به کودتا!

یک به یک موارد ذکرشده چیزی جز یک کودتا نیست. این دعوتنامه هجوم سرمایه خصوصی به تمام ساختار دولتی و فتح جمهور اسلام است. از سرمایه خصوصی انتظار می‌رود به نجات جمهوری اسلامی از بند و زنجیرهای خود، از بقایای انتظارات و توقعات عدالت‌گونه بشتابند. پالایش امنیت سرمایه اسکلت و سرنخ تصفیه و یکسره کردن کار است. این همان پروسه ای است بطور مداوم در فراخوان به سوی دانش بنیاد و نخبه ها و نسل جوان و «نسل زد» و غیره تکرار میشود. مخمسه دقیقا همین جا است. پرسشنامه دیگر چه صیغه ای است؟ از یک طرف سیفون ساختار جمهور به دست کس و ناکس داده شده است و از طرف دیگر شبیوری تغییر حکومت گوش عام را کر میکند. توضیحات صمیمانه آقای فرشید شکرخدايي بخوبی نشان میدهد حتی رییس اتاق ایران آیلان هم دست چپ و راست خود را در این معما نمیشناسد. او هم خر را میخواهد و هم خرما. هم کنترل سرمایه خصوصی و در عین حال همگی نیروی امنیتی و قوه قضاییه و قانون از استارت تا رونق! کسی نیست بپرستد در این میانه تکلیف دستمزد و بیمه کارگران از چه قرار است. بپرستد قانون و امنیتی و قوه قضاییه علیه کارگران معترض هم میشود؟

فرشید شکرخدايي، رئیس کمیسیون سرمایه گذاری و تامین مالی اتاق ایران، در نشست صمیمانه هیات رئیسه اتاق ایران با فعالان اقتصادی خراسان شمالی، به موضوع امنیت سرمایه‌گذاری اشاره کرد و گفت: ما با چالش امنیت سرمایه‌گذاری مواجه هستیم. این امر در حافظه تاریخی ما باقی مانده که اگر بخش خصوصی استارتاپ یا کسب و کاری راه بیندازد و این کسب و کار رونق بگیرد، مصادره می‌شود.

او ادامه داد: قوه قضاییه و نیروهای امنیتی باید وارد شوند و این مشکل را رفع کنند. حرمت مال مردم (!) باید حفظ شود مگر به حکم قانون. ولی ما هنوز هم شاهد هستیم که در کسب و کارهای موفق بخش خصوصی و به ویژه کسب و کارهای نوین استارتاپی، گزینه مصادره با تعابیر مختلف از سوی برخی نهادها دنبال می‌شود. (اتاق ایران آنلاین پانزده مهرماه ۱۴۰۴)

و بالاخره صورت مساله برای کارگران!

تمام این پالایش و تمام این ابتکارات مشعشع در دو کلمه اساسی جامعه سرمایه داری خلاصه میشود، آیا مالکیت سرمایه حفظ میشود و آیا امنیت آن در هر مسیر که اراده کند بی چون و چرا محفوظ خواهد بود. از منظر مالکیت و امنیت سرمایه دیگر از دولت جز خدمتگزاران موجب بگیر، متخصصین خوش خدمت چیزی باقی نمیمانند. پرسشنامه کذایی معیار مسعولیت ارکانهای دولتی و امنیتی و قضایی را بدقت روشن میکند و چند یک پله اساسی بالا میبرد. سرمایه دار مربوطه از حق شکایت و ادعای جبران خسارت ظاهر میشود. در پرسشنامه به مسعولیت مستقیم قوه قضاییه و ماموران امنیتی در سرعت عمل در رسیدگی به خسارات وارده و در سرعت عمل در اجرای احکام موارد «مزاحمت» (این تازه منتهای احترام از طرف دار و دسته کارفرما به اعتراض برحق کارگری است!) اشاره شده است. موارد معین کاربرد این بند را در حضور فوری دادستان تکاپ در معدن و شلاق بلافاصله کارگران در محل اعتصاب و همچنین در فاجعه معدن در مشهد در جلوگیری از اجتماع کارگران و گشتگوی کارگران با خبرنگاران به بهانه حفظ کارفرما در مقابل اتهامات پایه و اعتراض از طرف کارگران را شاهد بوده ایم.

تا همین جا در هر گام از حضور سرمایه خصوصی معنایی جز تحمیل شرایط بدتر کار و حقوق هر چه محدودتر برای کارگران نداشته است. دوره سرمایه دولتی با پرورنده سنگینی از حمله به کارگران بسته میشود و دور جدیدی از حملات آغاز میگردد. برای فعالیت کارگری در مقابل شرایط فعلی چند نکته اصلی را میتوان نام برد که در تمام همفکری های فعالین عملی مورد تاکید قرار گرفته اند.

بحث و اشاعه خستگی ناپذیر یک تصویر کلی از آنچه حول و حوش اعتبار و قدر قدرتی سرمایه میگذرد چشم ها را بر پیسی و ناتوانی طبقه حاکم و دنیایی از تناقض در در مقابل این طبقه باز میکند. بورژوازی دقیقا مشغول همین کار است و در خراش بر واقعیت از تمام شمایل قدر قدرتی آن جز نوکری در پیشگاه هر سرمایه دار از راه رسیده ای باقی نمیمانند. باید قدر هر اعتراض و هر دستاورد هر چند کوچک را دانست. وسعت طبقه ما کارگران، تنوع اقداماتی که از دست ما بر میآید و قدرت عظیمی که در موقعیت همبسته کار و زندگی ما؛ همچنین تجربه مبارزاتی غنی ما نهفته است در همین حد ابتدایی و خام خود بورژوازی را فلج و محتاط ساخته است.

موفقیت حق و حقوق و حق طلبی طبقه کارگران همواره در گرو گسترش ممکن در دامنه اعتراضات است که چگونگی آنرا ارتباط میان رهبران کارگری میتواند رقم بزند.

ما کارگران جزو مالکیت سرمایه چه خصوصی و چه دولتی نیستیم. ما فروشی نیستیم. برای کار و برای تعیین سرنوشت کارگران باید به خود آنها؛ مستقیما به مجمع عمومی کارگران و نمایندگان مستقیم خود آنها مراجعه شود. سرنوشت وزارت کار و خانه کارگر و خدمتگزاران شوراهای اسلامی آن به هیچ وجه بعهده کارگران نیست، اینها تحفه های کارفرما و ابزار او در تشدید بهره کشی از کارگران بوده است.

پرسشنامه «پالایش امنیت سرمایه گذاری» سند آشکار بر بن بست و سترونی سرمایه در ایران در مقابل هر قدم از پیشروی است که بتواند کوچکترین بهبود و امید را در صف کارگری جامعه بدنبال داشته باشد. بورژوازی را در ایران باید با همه قانون و مقدسات و همه نام و نشان آن به گور سپرد.

دوم؛ کیست که نداند بحث نه بر سر قیمت بخش های تولیدی بلکه بحث بر سر سرعت انتقال کل تولید از دولت به کارفرمای خصوصی است؛

سوم؛ کیست که نداند هیچ شرط و هیچ محدودیتی و هیچ نظارتی بر چگونگی اداره بنگاه های واگذار شده پیش بینی نمیشود؛ با سیاستهای مدون بانک جهانی و با تجارب بین المللی همه جا بحث خصوصی سازی با اخراج سازی توده وسیع کارگران و بعلاوه بر تجدید قراردادهای کار بر مبنای فضای ترسناک اخراجها به هم گره خورده است. کارفرمای خصوصی به معنای لغو همه قراردادهای و توافقات تکنونی است که مستقیم و یا غیر مستقیم از دولت بعنوان کارفرما انتظار رفته است.

چهارم و این مورد را لازم است به ویژه بخاطر داشت که پروسه دولتی به خصوصی پروسه ختم هرگونه موجودیت قانون کار و وزارت کار و تمام سازمانهای دولتی کارگری است. این بخش اساسا جز حواشی کمدی و تعزیه های خنده آور در شرح حال دشمنان صف کارگری نمیتواند برداشت شود.

و دقیقا همین مورد آخر است که بازاریابی جمهوری اسلامی بر آن استوار است. تا آنجا که به طبقه کارگر هم مربوط میشود. درست همان فاکتور چهارم است که کماکان و هر چه میگذرد همان فاکتور چهارم است که حساسیت بیشتری را دامن میزند. نوشته حاضر به یک بررسی اجمالی در موقعیت فعلی خصوصی سازی های مرکز تولیدی و از دریچه «شاخص امنیت سرمایه خصوصی در ایران» اختصاص دارد.

پروسه تضمین سودآوری سرمایه در ایران توسط جمهوری اسلامی یک حرکت سازمان یافته چند وجهی است که با بیشریمی افسار گسیخته بر حمله به هست و نیست طبقه کارگر و توده زحمتکش جامعه استوار شده است. بازبینی چگونگی اجرای بند ۴۴ قانون اساسی در خصوصی سازیها فقط یک جنبه آنرا تشکیل میدهد، همزمان تغییرات اساسی در قوه قضاییه و قانون مربوط به مالکیت و مجازات متخلفین در هرگونه تجاوز به اموال و منافع کارفرمایان؛ همچنین سوبسیدها و وظایف دولت در تسهیل کارکرد سرمایه ها؛ و بسیاری موارد دیگر را در بر میگیرد. در مرکز این حرکت چند وجهی «شاخص امنیت سرمایه گذاری در ایران» قرار دارد که همه اقدامات را گرد میآورد، تحزیه و تحلیل میکند و حرکت آنرا در مسیر دلخواه تامین میکند.

صورت مساله شاخص امنیت سرمایه چیست؟

شاخص مربوط به امنیت سرمایه گذاری ایران از سال ۱۳۸۹ بطور مداوم و با دقت اعجاب آوری در هر فصل (چهار نوبت در سال) از طریق پرسشنامه با تکیه بر استاندارد بالای علمی و عملی از فعالین (منظور سرمایه داران فعال) در همه رشته ها تهیه و مورد سنجش و پیگیری قرار میگردد. کل پروژره زیر نظر مستقیم خامنه ای است.

آشنایی و پیگیری تمام زوایای این پروژره و حکایت ضریب امنیت سرمایه در ایران پرده از یک مایه‌خوئیای سراسر چرک و خون علیه کار و کارگر در جغرافیای ایران برمیدارد. سرمایه بمعنای دقیق آن (حرص و ولع سیری ناپذیر در کسب سود بیشتر از قبل کار و استثمار کارگر) و از دهان یک دولت افسار گسیخته به صدا در میآید تا نفرت قرنها تلنبار شده بورژوازی متفرعن علیه کارگری که میخواهد فقط زنده بماند را بر روی جامعه استفرغ کند.

سوالات پرسشنامه که در بیست مورد اخیر از حدود ۸ هزار کارفرما در رشته های مختلف دریافت شده است را مشاهده میکنید. نتایج و نمودارهای منتج از پرسشنامه ها توسط دولت، استانداری، دواير متعدد اقتصادی و کشوری و لشکری، و صد البته مراجع قضایی، دانشگاه ها و امثال آن زیر و رو میشود. بررسی و تجزیه و تحلیل مرکز پژوهشهای مجلس برای خود یک شاهکار از عمق پست فطرتی و نزول منزلت یک آدمیزاد است؛ حتی اگر این آدمیزاد نه از کار و نه از کارگر و نه از پدیده سود و بهره کشی چیزی جز یک فیلم سرگرم کننده خیالی هالیوودی نفهمد و نداند. به این باز خواهیم گشت.

تضمین امنیت، تضمین چه چیزی، چگونه؟!

لینک اینترنتی دفترچه شماره ۲۷ از سری گزارش «پایش امنیت سرمایه گذاری به تفکیک استانها و حوزه های کاری» در ۳۸ صفحه مربوط به پاییز ۱۴۰۳؛ انتشار از طرف مرکز پژوهشهای مجلس به تاریخ ۲۵ فروردین ۱۴۰۴ در پایان نوشته در دسترس علاقمندان قرار میگیرد. دامنه و موضوع ارزیابی خیره کننده است:

میزان حمایت مسئولان استانی از داوطلبان سرمایه گذاری  
عمل مسئولان ملی به وعده های داده شده  
ثبات یا قابل پیش بینی بودن تصمیمات مسئولان استانی یا محلی  
ثبات قوانین یا مقررات  
ثبات یا قابل پیش بینی بودن تصمیمات مسئولان استانی  
سرقت مالی (پول نقد، کالا و تجهیزات)  
میزان وفای به عهد در اجرای قرارداد کتبی یا شفاهی  
وجود کلاهبرداری یا تقلب در بازار  
ثبات اقتصاد کلان (قیمت مواد اولیه، تورن و قیمت ارز)  
مصونیت جان و مال شهروندان از تعرض

## از طناب داری که پاره شد! تا آزادی همه زندانیان سیاسی! اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در ایران که در اعتصابات، اعتراضات و خیزش های مکرر اجتماعی از جمله جنبش آزادی زن، حکم مرگ این نظام تبهکار را فریاد زده اند، تا لغو مجازات اعدام، تا آزادی همه زندانیان سیاسی و کوتاه کردن دست رژیمی که جز فقر و فلاکت و سرکوب و جنایت ارمغانی برای شان نداشته از پای نمی نشینند.

با سرنگونی جمهوری اسلامی و زمانی که این دمل چرکین بر بدن جامعه پاک می شود، ۹۰ میلیون انسان جامعه ما نفس راحتی خواهد کشید و پیام آزادیخواهی و برابری طلبی را به جهان خواهد فرستاد. تا آن روز و امروز پاره شدن یک طناب دار جمهوری اسلامی را به شریفه و خانواده اش و همه ی تلاش های انسانی داخل و خارج از ایران، باید تبریک گفت!

حزب حکمتیست- خط رسمی  
۸ آبان ۱۴۰۴ - ۳۰ اکتبر ۲۰۲۵

عقب نشینی رژیم از حکم اعدام شریفه محمدی یک پیروزی برای جنبش علیه اعدام و همه مردم آزادیخواه در ایران است. این پیروزی در نتیجه اعتراضات گسترده کارگری، فشار افکار عمومی مردم، اعتراض زندانیان سیاسی و مخالفت مردم با عمل شنیع اعدام، بعنوان قتل عمد و انتقامجویی دولتی، از طرفی و تحت فشار افکار عمومی جهانی بویژه اعتراض اتحادیه های کارگری بین المللی از طرف دیگر، ممکن شد. از جمله اتحادیه سراسری کارگران سوئد و بزرگ ترین سندیکاهای کارگری ایتالیا، هر یک با میلیون ها عضو، که خواهان لغو حکم اعدام شریفه و آزادی فوری و بی قید و شرط او شدند.

نزدیک نیم قرن است طبقه کارگر و زحمتکشان زن و مرد و جوان در جدال مرگ و زندگی با جمهوری اسلامی هستند. طرفی تفنگ و باطوم و طناب دار و شکنجه و زندان دارد و طرف دیگر با دست های خالی اما با تکیه بر اراده ی جمعی و اعتصاب و اعتراض و نبرد خیابانی در این جنگ نابرابر قرار گرفته است. فقط در شش ماه اول امسال دستگاه قضایی جمهوری اسلامی این ماشین کشتار جمعی ۷۰۰ نفر را به طناب دار آویخته است.

جمهوری اسلامی شریفه محمدی را به «اقدام مسلحانه» متهم کرد تا اعتراض کارگر را جنایی و مرعوب کردن این طبقه چند میلیونی را ممکن کند. رژیمی که خود شبانه روز علیه مردم اقدام مسلحانه می کند، حکومتی که با اعدام های گسترده ی روزمره و جمعی، شلیک به چشم و قلب نوجوانان دختر و پسر در خیابان ها، در دادگاه بشریت متمدن، به جرم جنایت علیه بشریت محکوم است، با جنایی کردن حق طلبی طبقه کارگر خود را برای دور جدیدی از سرکوب آماده میکند. تلاشی که به سرعت به شکست انجامید. تعرضی که با موجی از خشم، اعتراض و مقابله، نه فقط طبقه کارگر که سایر بخشهای جامعه از فرهنگی و بازنشسته تا زندانیان سیاسی، روبرو شد. این سیاست نوشته نشده به زیاله دان انداخته شد و رژیم ناچار به عقب نشینی شد. اما این عقب نشینی و این پیروزی هنوز کافی نیست.

## برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی در دسترسی به ابزار های ارتقا و شکفتن استعداد های فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.

الم شنگه یارانه ای...

میدری: اگر قرار باشد مصوب خودتان در مجلس را اجرا کنم باید تا حالا ۲۸ میلیون نفر را حذف میکردم. (روزنامه عصر امروز، همانجا)

واقعیت یارانه ها و چگونگی روند این پدیده خیلی زودتر میبایست به یک پرونده چرکین از کلاهبرداری و بند و بست مالی در بالاترین سطح اقتصاد سیاسی مملکت منجر شود و مهمتر از هر چیز به بازی بی شرمانه با معاش و زندگی و کرامت میلیونها مردم زحمتکش پایان دهد.

اول: هسته اصلی یارانه ها کمک به تامین معیشت پایه ای کارگران و مردم زحمتکش است. دولت مسئول مستقیم وضعیت فاجعه بار فعلی است و بجای آن با پرداخت ماهانه یک پول سیاه که حتی معادل پول تو جیبی آفزاده وزیر و وکیل مملکت هم نیست، و همزمان با بالماسکه های عدالت و غربال لیست دریافت کنندگان از وظیفه خود شانه خالی میکند.

دوم: دولت مسئول گرانی و تورم است، وضعیت بازار فعلی دزدی مستقیم از جیب شهروندان است.

سوم: دولت به زور سرکوب، با تکیه به قوانین و با ممانعت از سازمانیابی و اعتراض و اعتصاب، دست کارگران را در مبارزه برای مزد عادلانه و شایسته بسته است و در مقابل نوکر های سرکوب و چماقداران منافع بورژوازی در مجلس به چسناله های تراز بودجه عمومی خود را مسخره میکنند.

چهارم: در محاسبه ترازنامه بودجه روش مافیایی دولت و مجلس و بورژوازی حاکم یارانه ای هنگفت کمرشکن آنجایی است که انواع یارانه به مراکز تولیدی در تخفیف های مالیاتی و قبوض برق و آب و غیره بطور مداوم در جریان است؛ حقوق های نجومی و امتیازات و ریخت و پاش و انعام ها در هیچ محاسبه ای جا نمیشود و سهم خدمات شهری در محلات اعیان نشین سر به آسمان میرسد...

پنجم: دولت با سپردن رگه های اصلی زندگی فردی و اجتماعی به بخش خصوصی، نه فقط مسکن بلکه امور آموزش و پرورش و مدارس؛ امور درمان و بهداشت عملا و رسماً هرگونه امکان هستی و آینده بهتر را رسماً از خانواده بزرگ طبقاتی کارگری در خارج از دایره گتوهای جهنمی سلب میکند.

یارانه برای دولت ارزانتر ساختن نیروی کار کارگر در خدمت سرمایه است. دستمزدها ناکافی است و یارانه قرار است با جبران بخش دیگری از نیازهای انسانی در همان حواشی خط فقر، کارگر را قادر سازد از پس بهره کشی برآید. این تمام نقشی است که یارانه را کماکان در دستور کار دولت و مجلس قرار میدهد.

این تمام فلسفه مضحکه نوبتی بر سر خزانه و یارانه است که نه دستمزد و نه یارانه و نه هر دو با هم قرار نیست شکم کارگر را سیر کند، یخچال را نیمه پر نگه؛ و سایه فقر و سقوط را کمی دورتر نگه دارد... این همه هنر قازورات هایی است که بر هستی توده زحمتکش چنگ انداخته اند و عرضه ندارند، نمیخواهند از دایره انتر بازی باسن های فربه در پیشگاه بورژوازی نوک پا به بیرون بگذارند.

# نینا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا  
[radioneena.com](http://radioneena.com)  
 ساوند کلود  
[soundcloud.com/radio-neena](https://soundcloud.com/radio-neena)  
 اینستاگرام  
[instagram.com/radioneena](https://www.instagram.com/radioneena)  
 تلگرام  
<https://t.me/RadioNeenna>  
 فیسبوک  
[facebook.com/radioneena](https://www.facebook.com/radioneena)

**hekmatist.com**

## تماس با حزب

 @Hekmatistx  
 دبیرخانه حزب

[dabirxane@hekmatist.com](mailto:dabirxane@hekmatist.com)

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

[azar.moda@gmail.com](mailto:azar.moda@gmail.com)

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

[khaled.hajmohamadi@gmail.com](mailto:khaled.hajmohamadi@gmail.com)

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

[aso.fotuhi@gmail.com](mailto:aso.fotuhi@gmail.com)

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

[sahand.sabet@gmail.com](mailto:sahand.sabet@gmail.com)

## حکمتیست هفتگی

سردبیر: آذر مدرسی

مادام که سرمایه بر حیات انسان ها حاکمیت دارد. مادام که فرد برای تامین مایحتاج خویش ناگزیر به فروش نیروی کار خود و انجام کار برای سرمایه و مالکان وسائل تولید است. مادام که نظام مزدبگیری و خرید و فروش نیروی کار انسانها برقرار است. هیچ قانون کاری. هر قدر مواد و تبصره هایی به نفع کارگران در آن گنجانده شده باشد. قانون کاری به راستی آزاد و کارگری نیست.

قانون کار واقعی کارگران. نفی نظام مزدی و ایجاد جامعه ای است که در آن هر کس داوطلبانه به اندازه توان و خلاقیتش در تولید وسائل زندگی و رفاه همگان شرکت میکند و به اندازه نیازش از محصولات این تلاش جمعی بهره میگیرد.

